

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

۳۱ دسمبر، ۲۰۲۴

دکتور زمان ستانیزی

## سگ افغانستانی



وطنداری مطلبی در وصف سگ تازی برایم فرستاده که در غرب به نام Afghan hound شهرت دارد. در حالی که به شهرت آن با سرزمین افغانستان به آن میباید، از روی تعصب از اطلاق کلمه افغان به آن ابا می ورزد و آن را «سگ افغانستانی» معرفی می کند. تعجب کردم. مگر افغانستانی هویت سگ شده؟

این اولین بار نبود که واژه «افغانستانی» را شنیدم. مضحک بودن آن خاطره را به یادم آورد که در اوایل دوره جمهوری داوودخان عده یی که با استعمال کلمه «شاه» چنان حساسیت نشان می دادند که می خواستند در متون کتب درسی اصطلاح مقیاس و معیار اندازه گیری «گزشاه» را به «گز جمهور» تبدیل کنند.

چندی پیش در همین باره صحبتی داشتم با یک وطندار دیگر که اصطلاح «افغانستانی» به کار برد. می خواستم بدانم که معنای آن را دانسته به کار می بردند یا عمل شان تقلید کورکورانه از عرف تعصبات جدید سیاسی است. از خلوص نیتم به او اطمینان دادم که منظورم فهمیدن مطلب است نه توهین به اعتقادش، پرسیدم:

«افغانستانی» یعنی چی؟

گفت:

«من افغان نیستم، ولی از افغانستان هستم، پس افغانستانی هستم.»

«چرا خود را افغان نمی‌دانید؟»

«افغان، یعنی پشتون. من پشتون نیستم، صرف افغانستانی هستم.»

«اگر افغان به معنای پشتون است، پس افغانستان چه معنی دارد؟»

فکر می‌کنم اولین بار بود که متوجه عمق مسأله شده بود. سوالم را توضیح بیشتر داده گفتم:

«اگر به زعم شما افغان به معنای پشتون است، پس افغانستان باید سرزمین پشتون‌ها باشد. آیا

با افغانستانی نامیدن تان، خود را از سرزمین خود بیگانه نمی‌کنید؟»

«والله...» گفت و خاموش ماند. ناراحتی ذهنی اش محسوس بود. پرسیدم:

«مگر افغان بودن بد است؟»

«والله من با ایرانی‌ها کار می‌کنم. و آن‌ها افغان‌ها را بد می‌بینند. در ایران افغان را مثل سگ

تحقیر می‌کنند. در پارک‌ها لوحه نصب می‌کنند و روی آن می‌نویسند: «ورود سگ و افغانی

ممنوع است.»

«به نظر شما این که ایرانی‌ها افغان‌ها را بد گفته تحقیر می‌کنند کار درست است؟»

«معلوماتاً که درست نیست.»

«پس خودتان در انکار از افغانیت تان در واقع مرتکب همان کار بد نمی‌شوید؟»

«چطور؟»

«ایرانی‌ها در کشور خود افغان‌ها را بیگانه دانسته تحقیر می‌کنند، ولی شما خود را در سرزمین

خود بیگانه پنداشته افغانیت تان را تحقیر می‌کنید. همان زشتی را که برای ایرانی‌ها عیب

می‌دانید، برای خود صفت می‌پندارید.»

«من به خاطر ایرانی‌ها نمی‌گویم...» بعد از مکث کوتاه مسأله را طور دیگر مطرح کرده گفتم.

«ممکن است ایرانی‌ها دلیلی داشته باشند که افغان‌ها را تحقیر کنند، ولی دلیل شما چیست؟»

«شما فکر می‌کنید ایرانی‌ها دلیلی دارند که مهاجرین بی‌گناه و مظلوم ما را تهدید و تحقیر

می‌کنند؟»

«بلی، ولی دلیل آن کمتر به مهاجرت و آوارگی افغان‌ها و بیشتر به تاریخ مربوط می‌گردد.

توضیح دادم:

نظر به نقش عمده‌یی که پشتون‌ها در آزاد ساختن این سرزمین از سلطه صفوی‌های پارس و

مغل‌های هند داشتند، در هر دو کشور پشتون‌ها را بد می‌دیدند. بر علاوه پشتون‌ها چنان

شجاعت از خود نشان دادند که نه تنها کشور خود افغانستان را از تعلق آن‌ها آزاد ساختند، بل

باعث شکست و اضمحلال هر دو امپراتوری پارس صفوی و در نهایت هند مغلی شدند؛ چنان که در مدت کم پایتخت های هردو امپراتوری، اصفهان و دهلی به دست پشتون ها افتاد. زمانی که آن ها معنای تسلط بیگانه را تجربه کردند، بدیهی است که پشتون های بیگانه را به نظر تحقیر دیده آن ها را خار چشم خود می دیدند، ولی چون در قاموس سیاست بازی های وقت، کلمه پشتون با کلمه افغان به طور مترادف به کار می رفت، تنفرشان را نثار همه افغان ها کردند. این که امروز افغان ها در هردو کشور در آوارگی به نام «افغانی» و «پتان» تحقیر می شوند از روی همین تعصبات سیاسی است. ما از اسارت آن ها خود را آزاد ساختیم. این نه جرم است، نه گناه و نه عمل شرمساری، بل مایه افتخار است. چون حقوق مدنی و انسانی خود را با مردانگی و شجاعت به دست آوردیم. ما را نشاید که خود را به ذهن و زبان دیگران تحقیر کنیم.

«پس به نظر شما باید خود را چه بنامیم؟»

افغان هویت قومی نیست، بل هویت منطوقی است. افغان به معنای سوارکار که در تاریخ برای مردمان بین سند و هندوکش اطلاق می شد. پس هم از نگاه تاریخی همه باشندگان افغانستان، افغان هستند، هم از نظر قانون اساسی کشور افغان هستند، و هم از روی تعامل دیپلماتیک بین المللی هرکس از افغانستان است افغان شناخته می شود. برعکس «افغانستانی» نه در فرهنگ و تاریخ کشور شناخته شده، نه در مراودات بین المللی جا دارد، و نه از نگاه دستور زبان ترکیب درست است؛ بل ناقص مکرر است. حتا متناقض همین انگیزه تعصب متعصبین است. آن هایی که با چشم پوشی از تاریخ ندانسته منکر هویت افغان هستند، با کاربرد کلمه «افغانستانی» به ارتباط خود با افغانیت مهر تایید و تاکید می گذارند. چون حتا همین اصطلاح نامانوس بدون کلمه افغان هیچ مفهومی را افاده نمی کند. اصطلاح «افغانستانی» صرف در قاموس تعصبات نژادپرستانی جا دارد که یا تاریخ را نمی دانند یا دیده و دانسته به خاطر تعصبات شان آن را تحریف کرده از واقعیت آن چشم می پوشند.

هویت ملی یک کشور تابع هویت های نژادی و زبانی یا مذهبی در آن کشور نمی شوند. برعکس هویت های نژادی، زبانی، مذهبی و غیره تابع هویت ملی می شوند. مثلا هر ایرانی دارنده هویت ملی جمهوری اسلامی ایران، ایرانی است، ولی حتمی نیست نژادش ایرانی باشد، یا مذهبش اسلام باشد یا هواخواه نظام جمهوری اسلامی.

بزرگترین نشانه عقب مانعی جامعه ما این است که می گذاریم دیگران ما را تعریف کنند. یک ایرانی امروزی با در نظر داشت آنچه در تاریخ خوانده از روی تعصب، افغان را بد می داند و افغانیت را تحقیر می کند، ولی یک افغان نباید از روی جهالت مرتکب همین جرم شود و هویت ملی خود را تحقیر کند.

و اما داستان سگ افغانستانی:

این نسل سگ اصلاً مصری است. بلی، مصری‌های که پشک و سگ را اهلی ساختند و در اسطوره‌های شان در پهلوی حیوانات دیگری که به آن‌ها تقدس نسبی قایل بودند، در کتیبه‌های هیروغلیف خود آن را نقش بستند.

این نسل سگ محبوب و دلخواه فرعون بود و طبقات عالی‌ای مصر به تقلید از او این سگ‌ها را در منازل خود نگهداری کرده نوازش می‌دادند. بعد از فتح مصر به دست مسلمانان سرداران عرب هم به تقلید از ارسطوکرات‌های مصر سگ باز شدند. زمانی که سرداران تازی در دوره اموی‌ها به افغانستان سرازیر شدند، با خود دو حیوان که نزدشان محبوبیت داشت به این سرزمین آوردند: یک اسپ تازی و یک سگ تازی. این شیوه بعداً به مردم غیر عرب هم سرایت کرد چنانچه در بعضی جاها روابط‌های بین شهرها را هم به نام اسپ تازی یا سگ تازی یاد کردند. بعدها این دو اسم به اختصار به کار رفت و صرف آن را تازی گفتند.

زمانی که استعمارپون انگلیس به افغانستان آمدند، در به کار بردن اصطلاحات به صورت اجمالی کلمه افغان را به صورت صفت در مورد به کار می‌بردند. شال‌های افغانی که از شال‌های کشمیر متفاوت بود به نام افغان نامیدند و همین سگ‌های تازی را سگ افغانی خواندند که هر دو صفت در پهلوی هویت ملی مردمان این سرزمین شامل قاموس زبان انگلیسی گردید: **Afghan**

### hound and Afghan shawl

بنابراین، اگر نام این سگ را در سیاق فرهنگی افغانستان درست استعمال شود باید آن را «سگ تازی» گفت و اگر در فرهنگ‌های غربی آن را استعمال می‌کنیم باید آن را **Afghan hound** خواند. تحمیل و کاربرد هویت مصنوعی با ترکیب دستوری تکرار ناقص «افغانستانی» برای هیچ کس درست نیست حتی برای سگ.

